

ما قتل زبونه میلو سوویچ را توسط امپریالیستهای “دموکرات” محکوم می کنیم

“خبر کوتاه بود،

اعدامشان کردند”

مرگ دکتر اسلوبودان میلو سوویچ دردناک ولی غیر منتظره نبود. وی که رئیس جمهور سابق یوگسلاوی بود با دسیسه امپریالیستها و در راستان امپریالیست آلمان سقوط کرد و بدست جاسوسی بنام چینچیک که برای مقامات آلمانی کار می کرد و به ریاست جمهوری یوگسلاوی رسیده بود شبانه به دادگاه مسخره لاهه تحویل داده شد.

اسلوبودان میلو سوویچ تا لحظه آخر با توانائی های خویش و از جایی که حقیقت را در جانب خویش داشت دادگاه مسخره و نمایشی لاهه را دست انداخت و شهود فرومایه و خود فروخته ای را که برای محکومیت میلو سوویچ بسیج کرده و ساخته بودند در صحن دادگاه چنان افشاء و لجنمال کرد که دولتهای امپریالیستی اروپا دست بدامن “خدا” شده بودند تا جان وی را بگیرد و آبروی امپریالیستها را حفظ نماید. قضات دادگاه کوچکترین مدرکی دال بر اتهاماتی که به میلو سوویچ وارد می کردند نتوانستند ارائه دهند و همین امر مورد تأیید همه مطبوعات و اقبیین جهان قرار داشت و سر انجام که از جسارت میلو سوویچ جانیشان بر لبشان رسیده بود وی را در زندان زبونه به قتل رساندند و از وی انتقام ستاندند.

میلو سوویچ گناهش این بود که از وحدت یوگسلاوی دفاع می کرد و علیه دسیسه امپریالیستها برای تجزیه یوگسلاوی بپاخواست. وی حاضر نشد به زیر سندننگین “امبولیه” که قرارداد تسلیم یوگسلاوی بود صحنه بگذارد و باین جهت پیمان تجاوزکار ناتو بیشرمانه و جنایتکارانه با یاری حزب اللهی های القاعده ی مسلمان، برای کشتار صربها، علیرغم محاصره یوگسلاوی توسط کشتیها و نیروهای نظامی ناتو، با اسلحه “مخفیانه” وارد بالکان شده و در تحت نظر آمریکائی ها در شهر “تیرانا” در آلبانی در اردوگاههای تعلیماتی، دوره آدمکشی دیده و برای کشتن صربها و بریدن سرهای آنها به یوگسلاوی اعزام شدند. در کنار آنها سازمانهای دست پرورده نازیهای آلمان و مزدوران و جیره مواجب بگیران دست راستی از اقصی نقاط جهان حضور داشتند که لشکر کشی آلمان را به یوگسلاوی تقویت می کردند و چهره “مردمی و غیر نظامی” به آن می دادند. از این طریق بود که امپریالیست آلمان موفق شد به یک جنایت بزرگ جنگی دست بزند. مناطق مسکونی را بمباران کرد، به پخش اخبار دروغ پرداخت، تصاویر جعلی در رسانه های گروهی نشان داد تا افکار عمومی را برای تجاوز به یوگسلاوی آماده کند. اقدامات جرج بوش و تونی بلر در حمله به عراق تنها تصویر کج و معوجی و رونویسی ناشیانه ای از نقشه های حسابشده ناتو در تجاوز به یوگسلاوی بود. امپریالیستها بر خلاف همه پیمانهای جهانی پلها، سفارتخانه های خارجی، کارخانه ها را هدف بمبهای خویش قرار دادند و برای نخستین بار از گلوله های رادیو اکتیو برای نابودی تانکهای یوگسلاوی استفاده نمودند و سرزمین یوگسلاوی را برای میلیاردها سال آلوده ساختند. راز این جنایت توسط بیماری سربازان ایتالیائی افشاء شد.

آنها در قبل از تجزیه یوگسلاوی با تبلیغات “نفرت ملی” آغاز کردند و به صربها به عنوان آدمهای تنبلی که مفت می خورند و مفت می خوابند و مال کرواتها را می چاپند حمله نمودند. این نوع تبلیغات، تبلیغات نازیها در حذف یهودیان بود که آلمانها آنرا مجددا علیه نژاد “پست تر اسلاو” بکار می گرفتند و شبیه آنرا امروز ما توسط نوکران جمهوری آذربایجان و سازمانهای جاسوس ترکیه در ایران می بینیم. آنها تبلیغ می کردند که کرواتها از نژاد آریا هستند و منشاء ایرانی دارند. حقیقت ولی این بود که ملت صرب با فداکاری تمام دستاوردهای صنعتی خویش را برای نزدیکی به اروپا در آن زمان که کشور واحدی بودند در کرواسی و اسلونی برپا ساخته بود. زیرا آنها از اقتصاد واحد برخوردار بودند و مهم آن بود که کارخانه ها از نظر منافع اقتصادی در مقیاس یوگسلاوی ساخته شوند. همین امر از طرف امپریالیستها و “سازمانهای غیر دولتی” آمریکا ساخته وسیله مبارزه ایدئولوژیک برای تجزیه یوگسلاوی قرار گرفت. یوگسلاوی کشوری بود که ضربات شدیدی به فاشیستها وارد کرده بود و مورد کینه و نفرت امپریالیست آلمان قرار داشت. “کینکل” مسئول سازمانهای جاسوسی و سپس وزیر امور خارجه آلمان که پس از “کنشتر” وزیر قبلی بر روی کار آمده بود به صراحت بیان کرد که آنها نمی توانند مرزهای را که پس از جنگ جهانی اول (بخوانید انقلاب اکتبرخوفان) در جهان پدیدار شده است برسمیت بشناسند. آلمانها بر خلاف قرارداد “همکاری و امنیت اروپا” که آنرا با یوگسلاوی به امضاء رسانده و مرزهای یوگسلاوی را برسمیت شناخته بودند وقتی تناسب قوای طبقاتی در عرصه جهان تغییر کرد به راحتی خوردن یک آب هویج از امروز به فردا اعلام کردند که کشورهای کرواسی و اسلونی را بمنزله کشورهای مستقل برسمیت می شناسند تا بتوانند بدون کوچکترین مانع حقوقی و با بی شرمی به آنها کمک مالی، نظامی، و تدارکاتی برسانند. صدها کامیون نظامی و سلاحهای را که بعد از مصادره آلمان شرقی بدست آورده بودند با یاری افراد خیر و شرکتهای “خصوصی” به کرواسی فرستادند که در زمان خود افتضاح آن بعلت مشکلات گمرکی ماموران بی خبر در مرزهای جنوبی آلمان برملا شد. امپریالیست اروپا یوگسلاوی را تجزیه کرد زیرا ملت های کوچک که به تنهایی امکان ادامه بقاء را ندارند بهتر می شود به بند کشید و قورت داد. هم اکنون ممالکی نظیر بوسنی هرزگوین و یا کوزوو تنها بر صحنه کاغذ وجود دارند و به فاحشه خانه اروپا و انبار مواد مخدر تبدیل شده اند. اسلونی و کرواسی مستعمره امپریالیستها هستند. زمینس و دوچه بانک همه کرواسی را در دست دارند.

میلو سوویچ این امر را می دانست و باین جهت علیه آن مبارزه کرد. وی را علیرغم اینکه نیاز به معالجه قلب داشت درمان نکردند تا زودتر و قبل از پایان آخرین دفاعیه اش بمیرد. پیشنهاد روسیه را که حاضر بودند وی را برای معالجه بپذیرند نپذیرفتند و سرانجام وی را در زندان زندان شونینگن (Scheveningen) واقع در حومه شهر لاهه کشتند. جالب آن است که روزنامه فرانکفورتر روند شلو مورخ ۲۰۰۶/۰۳/۰۷ خبر داد که یکی از شهود دادگاه میلو سوویچ بنام آقای میلان بابیچ Milan Babic که یکماه قبل به این زندان منتقل شده بود نیز خود را در این زندان نفرین شده کشت. این نخستین خود کشی زندان شونینگن (Scheveningen) نیست و نبود. آقای اسلاکو دوکمانوویچ Slavko Dokmanovic که یکی دیگر از شهود دادگاه میلو سوویچ بود، نیز در این زندان بدنام چندی قبل خود کشی کرده بود. علیرغم این همه خودکشیها مامورین نگهبانی زندان اقدامی برای ممانعت از آن نکرده بودند. پیدایش چنین وضعیتی در هر زندان

عادی می تواند به انجام اقدامات ضروری و تجهیزاتی منجر شود ولی در مورد این زندان نفرین شده و بدنام کافیت که بر آن پرده فراموشی کشید.

معلوم می شود دادگاه لاهه برای آدمکشی زندانهای ویژه ای نیز دارد که بهمان سبک قتلهای زنجیره ای در ایران عمل می کنند. اگر بخاطر بیاورید در زمان کودتائی که بنام انقلاب نارنجی در اوکراین کردند بیش از حد و مرز در مورد افسانه ای نعره می زند که از زهر دادن به رهبر اپوزیسیون اوکراین صحبت می کرد. امری که هرگز ثابت نشد و معلوم نگردید که در اثر کدام نوع از امراض مقایرتی چهره این رهبر با “کیاست” و نوکر آمریکا کربیه شده است. حال بحث بر سر قتل سومی است که در یک زندان وابسته به دادگاه لاهه و مربوط به سازمان ملل متحد انجام می گیرد و به سادگی از کنار آن رد می شوند و آنرا ماستمالی می کنند. قتل سه انسان ارزش آن همه داد و قال در مورد چهره کربیه رهبر دست نشانده اوکراین را نیز ندارد.

امیلوسوویچ به نارسای قلبی دچار بود و دادگاه به این امر واقف بود. صدها جنایتکار جنگی نظیر پینوشه و باقیمانده نازیها را با مدارک جعلی پزشکی از محاکمه معذور و معاف کرده بودند ولی میلوسوویچ که بیماریش حقیقی بود باید تا سرحد مرگ تحت فشار قرار می گرفت تا آنها زودتر از شرش خلاص شوند. در نوامبر سال ۲۰۰۵ مرکز درمانی باکولف (Bakulev Medical Center) مسکو هیتی از دکترای متخصص روسی را به شهر لاهه در هلند اعزام کرد تا از میلوسوویچ معاینه پزشکی بعمل آورد. این گروه پزشکی در گزارش خویش به ضروری و فوری بودن درمان میلوسوویچ تاکید کرد. آنها برای نجات جان میلوسوویچ یک درخواست کتبی به دادگاه لاهه فرستادند تا میلوسوویچ را برای معالجه به مسکو بفرستند. خانواده میلوسوویچ در مسکو درخواست این اقدام انسانی را از دولت روسیه به عمل آورده بود. دولت روسیه تعهد کرده بود که میلوسوویچ را در روسیه درمان کند و در تاریخ ۲۳ فوریه وی را بدادگاه لاهه برای ادامه محاکمه برگرداند. دادگاه به این درخواست انسانی پاسخ رد داد زیرا از میلوسوویچ سالم بشدت هراسناک بود.

باین ترتیب مسئولیت مرگ دکتر میلوسوویچ نه تنها بعده جنایتکاران جنگی و امپریالیستهای عضو پیمان ناتو است، بلکه مسئولان دادگاه لاهه نیز در آن سهیم هستند. پاتریک رابینسون (Patrick Robinson) ، او - گون کوان (O - Gon Kwan) ، لین بونومی (Lain Bonomy) نیز کسانی هستند که نمی توانند شانه خویش را از زیر بار مسئولیت خالی کنند. آنها نیز در این جنایت دست دارند. بنظر ما این اقدام حسابشده و غیر قابل انتظار حکم قتل رهبر سابق یوگسلاوی در زندان بدنام شونینگن (Scheveningen) می باشد که برخلاف همه هنجارها و پیمانهای بین المللی است.

حزب کار ایران (توفان) قتل بزدلانه میلوسوویچ را در زندان لاهه، بیان روشن نقض حقوق بشر و محتوی واقعی آن ارزشهای می داند که امپریالیستها باطنا به آن اعتقاد دارند. آنها مسلما جام شرابه های خویش را برای مرگ ملوسوویچ سرکشیده اند. این تجربه باید به ما بیاموزد که امپریالیستها تا به چه حد ریاکار و خطرناک هستند و تا به چقدر با سرنوشت ملتها در جهت منافع اقتصادی و سیاسی خویش بازی می کنند. این تجربه باید کینه ما را به امپریالیستها و همدستان بومی آنها افزایش دهد و لحظه ای نیز ما را از افشاء مستمر آنها باز ندارد.

حزب کار ایران (توفان)

دهم مارس ۲۰۰۶

www.toufan.org